

اربعین حدیث

تألیف:

آیة اللہ شیخ عبدالحسین عترونی کوشالی

ترجمہ و تصحیح و تعلیق:

دکتر محمد علی (صدرالدین) قربانی لاہیجی

بامقدمہ:

استاد زین العابدین قربانی لاہیجی

سرشناسه	عترتی کوشالی، عبدالحسین، ۱۳۲۰-.
عنوان و نام پدیدآور	اربعین حدیث/تالیف عبدالحسین عترتی کوشالی؛ ترجمه، تصحیح و تعلیق محمدعلی (صدرالدین) قربانی لاهیجی؛ با مقدمه زین العابدین قربانی لاهیجی.
مشخصات نشر	رشت: انتشارات سلار، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۱۷۶ ص.
شابک	978-964-95824-2-9
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
یادداشت	چاپ قبلی: نشر سایه، ۱۳۷۳.
یادداشت	کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع	اربعینات -- قرن ۱۴
موضوع	احادیث شیعه -- قرن ۱۴
شناسه افزوده	قربانی لاهیجی، صدرالدین، ۱۳۴۲ - مترجم
شناسه افزوده	قربانی لاهیجی، زین العابدین، ۱۳۱۲ - مقدمه نویس
رده بندی کنگره	۱۳۹۰ الف ۴۲/ع ۹/۱۴۳ BP
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۷۸۱۸۴



اربعین حدیث

نویسنده:	آیه الله عبدالحسین عترتی کوشالی
ترجمه، تصحیح و تعلیق:	دکتر محمدعلی قربانی
مقدمه:	استاد زین العابدین قربانی
ناشر:	انتشارات سلار
نوبت چاپ:	اول
تاریخ انتشار:	۱۳۹۰
چاپ و صحافی:	چاپ زیتون
شمارگان:	۵۰۰
قیمت:	۴۲۰۰ تومان

نشانی: رشت، خیابان امام خمینی (ره)، چهار راه قدس،
مؤسسه علمی تحقیقی فرهنگی آیت الله قربانی - انتشارات سلار
تلفکس: ۳۲۳۲۶۷۶

www.safiresabz.org

www.safiresabz.ir

فهرست مطالب

مقدمه استاد زین العابدین قزلباشی ۱۱

مقدمه مؤلف: ۱۹

حدیث اول

خصوصیات عالم واقعی ۲۱

حدیث دوم

فوائد مسجد رفتن ۲۳

حدیث سوم

مرد شامی در محضر امیرالمؤمنین علیه السلام ۲۵

حدیث چهارم

ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام از دیدگاه پیامبر ﷺ ۳۵

حدیث پنجم

فضائل مولی علی علیه السلام از زبان پیامبر ﷺ ۳۷

حدیث ششم

۳۹ اسرار لوح جابر

حدیث هفتم

۴۸ علت و فایده غیبت

حدیث هشتم

۵۱ مکارم اخلاق

حدیث نهم

۵۳ خصلت‌های سه گانه مؤمن

حدیث دهم

۵۵ صفات بهشتیان

حدیث یازدهم

۵۷ پُل صراط و شفاعت رسول خدا ﷺ

حدیث دوازدهم

۶۱ خطبه امیرالمؤمنین در شهر بصره

حدیث سیزدهم

۶۴ تمام خیرات در سه خصلت است؟!۱

حدیث چهاردهم

۶۶ بیان آب کُز

حدیث پانزدهم

مقدار آب کُتر ۶۷

حدیث شانزدهم

پیامبر ﷺ چگونه وضو می گرفت؟ ۶۸

حدیث هفدهم

حدود شستن صورت در وضو ۷۰

حدیث هیجدهم

حدود شستن دست در وضو گرفتن ۷۲

حدیث نوزدهم

کیفیت مسح در وضو ۷۴

حدیث بیستم

بیان غسل ترتیبی ۷۵

حدیث بیست و یکم

بیان غسل ارتماسی ۷۷

حدیث بیست و دوم

بیان تیمم : ۷۸

حدیث بیست و سوم

در بیان احتضار ۷۹

حدیث بیست و چهارم

ارزشمندترین طاعت حدیث بیست و چهارم ۸۸

حدیث بیست و پنجم

فضیلت نماز حدیث بیست و پنجم ۹۰

حدیث بیست و ششم

نحوه نماز خواندن امام صادق علیه السلام حدیث بیست و ششم ۹۲

حدیث بیست و هفتم

اقسام زکات حدیث بیست و هفتم ۱۰۰

حدیث بیست و هشتم

کیفر کسی که زکات نمی دهد؟! حدیث بیست و هشتم ۱۰۲

حدیث بیست و نهم

معیار شناخت آدم خوب و بد حدیث بیست و نهم ۱۰۴

حدیث سی ام

قرض دادن به ازای زکات حدیث سی ام ۱۰۵

حدیث سی و یکم

ضعیف نوازی حدیث سی و یکم ۱۰۸

حدیث سی و دوم

پاداش روزه گرفتن حدیث سی و دوم ۱۱۰

حدیث سی و سوم

اهمیت ماه رمضان و شب قدر در سال ۱۱۲

حدیث سی و چهارم

خطبه شعبانیه پیامبر ﷺ ۱۱۴

حدیث سی و پنجم

سؤالانی امام صادق علیه السلام درباره حجرات الاسود و پاسخ های آن حضرت ۱۱۸

حدیث سی و ششم

کلید بهشت و جهنم جهاد است ۱۲۹

حدیث سی و هفتم

فضیلت جهاد ۱۳۰

حدیث سی و هشتم

راهنمای معاش ۱۳۱

حدیث سی و نهم

نامه اعمال انسان ها ۱۴۸

حدیث چهلم

خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام درباره معارف اسلام ۱۵۰

از آنجا که حدیث یکی از منابع عظیم قانون‌گذاری و معارف بلند و اخلاق عالیۀ اسلامی ما است، به گونه‌ای که بدون آن دستیابی به حقائق قرآن و شناخت ابعاد مختلف دین مقدور نخواهد بود، از این‌رو همواره مورد توجه پیامبر بزرگوار و اولیاء گرامی دین بوده مردم را به فراگیری و حفظ و کتابت آن ترغیب می‌فرمودند.

پیامبر اکرم ﷺ در یک جا در مورد تعلیم و تعلّم آن فرمود:

مَنْ تَعَلَّمَ حَدِيثَيْنِ اِثْنَيْنِ يَنْتَفِعُ بِهِمَا نَفْسُهُ اَوْ يُعَلِّمُهُمَا غَيْرَهُ
فَيَنْتَفِعُ بِهِمَا كَانَ خَيْرًا مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً.

هر کس دو حدیث را فراگیرد، که خود استفاده کند یا به دیگری تعلیم دهد که مورد بهره‌برداری قرار دهد، چنین کاری از شصت سال عبادت بهتر است.^۱

و در جای دیگر در مورد نوشتن و حفظ کردن حدیث چنین تأکید می‌فرماید:

المؤمن إذا مات و تَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ
الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ وَاعْطَاهُ اللَّهُ
- تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا، مَدِينَةً أَوْسَعَ مِنَ
الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ.

هرگاه مؤمن بمیرد و یک ورقه که روی آن علمی نوشته و از خود
به یادگار بگذارد؛ آن ورقه در روز قیامت، میان او و آتش حائل
خواهد گریزد و خداوند در عوض هر حرفی که روی آن نوشته
شده، شهری هفت برابر وسیع تر از دنیا به او خواهد داد.^۱

در راستای ترغیب به فراگیری و اشاعه حدیث، روایات فراوانی از
پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام که بعضی ادعای «تواتر» درباره
آن ها کرده اند^۲ رسیده، مبنی بر این که هر کس چهل حدیث را حفظ کند،
تا خود و دیگران در امور دین شان از آن بهره بگیرند، در قیامت فقیه، با
پیامبران، صدیقین، شهداء، صالحین و فقهاء محشور می شود و از شفاعت
پیامبر و اولیاء الهی بهره مند می گردد و از عذاب آخرت به دور می ماند.^۳
براساس این تعلیم بود، که از دیرباز، بزرگانی در صدد «اربعین» نویسی
برآمدند و کتاب های فراوانی در این رشته نگاشته اند که مرحوم علامه

۱ - بحار، ج ۲، ص ۱۴۴.

۲ - بحار، ج ۲، ص ۱۵۶.

۳ - بحار، ج ۲، ص ۱۵۷.

شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب نفیس خود «الذریعه» حدود ۸۳ اربعین از آنان نام می‌برد^۱ که حقاً تألیف این نوع از کتب احادیث که بر حسب سلیقه و تخصص و احساس نیاز در ابواب مختلف از احکام، اخلاق، معارف، فضائل و مناقب، اثبات امامت، امام خاص و... نوشته شده، کمک شایانی به اشاعه حدیث و فرهنگ ما کرده است.^۲

مؤلف کتاب:

مؤلف این رساله (اربعین حدیث) مرحوم آیه الله شیخ عبدالحسین عترتی کوشالی است که از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و حاج شیخ عبد الله مازندرانی (دیوشلی) بوده است که یک دوره تقریرات درس اصول این بزرگواران را نوشته و در اوراقش موجود است.

وی مردی زاهد و پارسا بوده که زبان زد خاص و عام این سامان بوده، تا جایی که یکی از بزرگان این شهر می‌گفت: بواثر تبلیغات گمراه کننده فرقه ضالّه در حال شک و تردید قرار گرفته بودم، رفتار انسانی این مرد ملکوتی مرا از تردید و شک بدر آورد و با خود گفتم: من پیامبر اسلام و ائمه هدی را ندیده‌ام ولی این مرد را با این وارستگی که

۱ - الذریعه، ج ۱، ص ۴۰۹ - ۴۳۴.

۲ - به کتاب علم حدیث نوشته اینجانب، ص ۳۶ مراجعه شود.

می بینم، مبلغ دین آن هاست، از این راه به درستی آیین محمدی صلی الله علیه و آله می توانم ایمان داشته باشم.

یکی از محترمین بازار لاهیجان از پدرش نقل می کند که گفته است: یک روز دیدیم آیه الله کوشالی برای اقامه نماز جماعت به مسجد نیامده، رفیق منزلشان دیدیم آقا قبا پوشیده و پیراهن ندارد؛ گویا یک پیراهن بیشتر داشت و آن را به فقیر داده است؛ برگشتیم، سی شاهی دادیم یک پیراهن خریدیم برای آقای کوشالی و به ایشان دادیم؛ سه یا چهار هفته نگذشت، دیدیم دوباره آقا به مسجد نیامده، رفیق منزلشان دیدیم باز ماجرای قبلی است، آقا پیراهن نازدای را که برایشان خریده بودیم به یک فقیر آشنا بخشیده است.

نقل کرده اند: فصل زمستان بود، دزدی وارد خانه آقای کوشالی شد و برنج از انبار خانه اش به سرقت بُرد و در تاریکی شب دانه های برنج در مسیر گذر جناب دزد آن چنان ریخته شده بود که معلوم شد آن دزد کیست! علی هذا خواستند شکایت کنند که آیه الله کوشالی مانع شدند و گفتند: ایشان نیاز به آن داشتند.

از این نمونه فضایل اخلاقی و عملی در عمر عالمان و عارفان آن بزرگ مرد بسیار است که ذکر همه آن ها خود کتابی مجزا را می طلبد.

در هر صورت، این خانواده ابا عن جد روحانی و مورد احترام مردم این شهر بوده اند و در پایان کتاب «الوجیزه» شیخ بهایی که در سال

۱۲۶۷ در مدرسه کاظم بیگ بارفروش، به وسیله پدر مؤلف استنساخ شده، آمده است: «شیخ حسن بن محمد ابن شیخ کاظم بن شیخ ابراهیم سوسجانی لاهیجانی».

وی پس از تحصیلات عالی در نجف اشرف و نیل به درجه اجتهاد بعد از فوت مرحوم پدرش (حاج شیخ حسن) که از علمای بنام این منطقه بوده به همراه برادر بزرگش آیه الله شیخ اسماعیل که او نیز از علمای عاملین و از اولیاء الله بوده به وطن مراجعت کرد و به اقامه جماعت و تدریس علوم دینی و ارشاد ایام آل محمد صلی الله علیه و آله و رفق و وفق امور دینی مردم مشغول گردید.

با آن که زمان حیاتشان مفارن با دوران سیاه حکومت قاجاریه و سلطنت تنگین رضاخان و کشف حجاب بوده، به گونه ای زاهدانه و عاقلانه حرکت و عمل می کردند که نه تنها توده مردم بلکه بسیاری از عمال دولت خبیثه نیز به آن ها احترام می کردند.

چنانکه متذکر شدم این خانواده ریشه دار اصلاً اهل «سوسان» که در قسمت جنوب شهر (به فاصله دو کیلومتر) قرار دارد بوده اند و علت اینکه به «کوشالی» معروف شده اند چنان که مرحوم «اب الزوجه» نقل می کرد این بوده که یکی از خوانین شهر می خواسته جنگل های «لیل» را - دهی است بزرگ به فاصله ۸ - ۱۰ کیلومتری جنوب لاهیجان - بنام خود ثبت کند، از جدم مرحوم آیه الله حاج شیخ حسن خواسته بود که این کار را

تأیید نماید، وی متعذر شده بود که جنگل‌ها از «انفال» است و نمی‌تواند ملک کسی باشد و جزء بیت‌المال می‌باشد.

از این‌رو از تأیید آن سرباز زد، آن خان نیز بنای اذیت و آزار آن عالم ربانی را گذاشت، به گونه‌ای که ناگزیر شد به منطقه «کوشال» که در طرف شمال شرقی شهر (به فاصله ۶ - ۷ کیلومتر) قرار داشت و از نفوذ آن خان که به منطقه کوهپایه حاکم بود نه جلگه، هجرت کرد و با فراهم کردن مقداری زمین کشاورزی سال‌ها در آنجا زندگی کرد و به رفق و وفق امور دینی مردم پرداخت که هم‌اکنون خانه قدیمی این خانواده در آنجا موجود است.

و بالاخره این امر موجب شد که این خانواده به «کوشالی» معروف شوند.

و در هر صورت، آن مرحوم در سال ۱۳۶۱ قمری دار فانی را وداع گفت و در مقبره خانوادگی واقع در قبرستان آسید محمد یمنی لاهیجان دفن گردید و دو فرزند روحانی به نام حجة الاسلام حاج شیخ محمد حسن غروی کوشالی و حاج شیخ محمد کاظم عترتی کوشالی از خود به یادگار گذاشت که آن‌ها نیز به نوبه خود «اسوه تقوا» بودند و مردم را با قول و عمل به سوی اسلام ناب هدایت می‌کردند که متأسفانه حاج شیخ محمد کاظم عترتی که فرزند کوچک‌تر بوده در سال ۱۳۵۴ و حاج شیخ محمد حسن غروی که فرزند بزرگ‌تر بوده در سال ۱۳۶۲ وفات یافتند و

شهر لاهیجان و حومه را از نعمت وجودشان محروم ساختند. برای آن که زحمات این روحانی وارسته، هدر نرود، و تلاش بی حاصل نگردد، و جامعه اسلامی از این رسالت به دوشان مخلص و سنگ داران راستین دین، به کلی غافل نمانده و در بوته نسیان و فراموشی قرارشان ندهد. نور چشمی حجة الاسلام محمد علی (صدرالدین) قربانی که نوه دخترش فرزندی بزرگ مغفور له، مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد حسن غروی کوشالی می باشد، تصمیم گرفت این رساله را که تالیف مرحوم آية الله شیخ عبدالحسن عترتی است با ترجمه و تصحیح و تعلیق، آماده چاپ نماید تا از یک سو این کار مصداق - ان آثارنا تدل علینا فانظروا بعدنا الی الآثار - واقع گردد و از سوی دیگر به همین مقدار در نشر حدیث نقش داشته باشد. وَفَّقَهُ اللهُ وَآمَنَّا لِمَا يَحِبُّ وَيَرْضَا.

والسلام علی من اتبع الهدی.

زین العابدین قربانی لاهیجی

لاهیجان، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۳

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على رسوله
خاتم النبيين وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين
الى يوم الدين.

و بعد فقد روى بالاسانيد الكثيرة الخاصة و العامة عَنْ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ و كان فيما اُوتِيَ بِهِ أَنْ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ: مَنْ
حَفِظَ مِنْ أَمْتِي اَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ -
وَالدَّارَ الْآخِرَةَ حَسْرَةُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ
وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوَّلِكَ رَفِيقًا.^١

اطلاق الحفظ يشتمل على الحفظ ذهنأ و على الحفظ قولأ و
بيانأ و على الحفظ كتبأ و تحريرأ و على الحفظ عملاً

١ - بحار، ج ٢، ص ١٥٤. البته اين روايت مفصل است كه رسول خدا ﷺ ضمن
آن، چهل حديث را نقل مي كند و مرحوم مجلسي در باب ٢٠ از كتاب العلم،
حدود ١٠ روايت در مورد اربعين حديث نقل مي كند و در اصول كافي، ج ١،
ص ٦٢، حديث ٧، نيز روايتي به همين مضمون آمده است.

بالارکان، اظهرها لغةً و عقلاً هو الاول. حیث انه ينبعث منه
مابعده من المراتب والافراد؛ وفقنا الله لاقامة تمام افراده
واستيفاء كافة مراتبه بعونه وعنايته.

از رسول خدا ﷺ به سندهای متعدد از شیعه و سنی روایت
شده است که رسول خدا ﷺ سنارش هایی به امیرالمؤمنین علیه السلام
نمودند و از جمله آن وصیت ها این بود که فرمودند:

یا علی هر کس از امت من چهل حدیث را حفظ کند، که بدان
وجه الله عزوجل - و دار آخرت را، طلب کند، خداوند او را در
روز قیامت، با انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین محشور می کند
و اینان چه نیکو رفقای هستند.

اطلاق لفظ حَفِظَ، شامل به ذهن سپردن و حفظ نمودن از جهت
قول و بیان و کتابت و تحریر و حفاظت از جهت عمل به اعضاء و
جوارح همه می شود. ولی لغةً و عقلاً اظهر این معانی، همان معنای
اول است؛ که به ذهن سپردن باشد. چون سایر معانی از آن حاصل
می شوند و پدید می آیند. که خداوند به لطف و عنایتش ما را برای
پیاداشتن جمیع مراتب و افراد حفظ، توفیق عنایت فرماید.